



میترا فردوسی / روزنامه نگار و پژوهشگر مطالعات فرهنگی

اودر گزارشی به همسایه و فرهنگ همسایگی، به مثابه یک عنصر معنابخش به زندگی روزمره و زیست اجتماعی انسان، پرداخته است



۲+

همسایه داری، فرهنگی
که در ارتفاع برج ها گم شد

موهبت همسایگی

این روزها خنثی کردن و از میان برداشتن فاصله فیزیکی به عنوان سدی در روابط اجتماعی ما کاری آسان است. حتی وقتی دوستان و عزیزانمان هزاران کیلومتر با ما فاصله دارند، می توانیم در هر مکان و با چند ضربه روی تلفن هوشمندمان به آنها برسیم. دورترین ها با امکانات رسانه ای جدید نزدیک می شوند. چیزی که باعث شده ما تمایل کمتری برای گفت و گو با افرادی داشته باشیم که به معنای واقعی کلمه نزدیک ترین افراد به ما هستند: همسایگان.

مارک دانکلمان، مورخ و پژوهشگر تغییرات اجتماعی معتقد است از دست دادن پیامدهای زمان هایی که با افرادی که در مجاورت فیزیکی با ما هستند، خطرناک تر از آن است که به نظر می رسد. وی بهار امسال در نیویورک تایمز نوشت: «برای نسل های متمادی، روابط همسایگی به مردم کمک کرده است تا از تنوع فرهنگی و گشودگی بهره ببرند.» به گفته او، نبود ارتباط بین افرادی که ممکن است از جغرافیا یا سبک زندگی و فرهنگ مشترکی نباشند، می تواند به معنای از دست دادن «مکالمه های آزاد در مورد موضوعات نا آشنا باشد که اغلب ذهن ما را به ایده های جدید باز می کند.» روزگاری، مردم همسایگان خود را می شناختند. این بدان معنا نیست که دیگر در این روزها هیچ کس همسایه های محل زندگی خود را نمی شناسد، اما واقعیت این است که از سطح مراوده و پشتیبانی آنها از یکدیگر کاسته شده. چیزهایی که قدیم ترها رواج داشت مثل میهمانی های محله، گرفتن تخم مرغ و پیاز به وقت سر رسیدن میهمانی سرزده، نگهداری از بچه های هم، قرض گرفتن پول و... به احتمال زیاد حالا دیگر به باد فراموشی سپرده شده. حوزه های نفوذ ما در این حیطة به دلیل مواردی از قبیل توسعه اینترنت از دست رفته و در نتیجه

روابط همسایگان و تندرستی روانشناختی

نظریه پردازان کلاسیک بیشتر بر اهمیت و ارزش ابزاری روابط با همسایه تأکید کرده اند، اما براساس نظریه عملکرد مشترک که توسط زلنی و لیتواک مطرح شد همسایه ها برای کارهایی که به نزدیکی و فوریت نیاز دارد یا یکسری کارهای دم دستی و اساسی برای همدیگر مناسب ترین افراد هستند. این تحقیق به ما می گوید که همسایه ها بعد از خانواده و دوستان نفر سوم لیست کسانی هستند که می شود روی آنها حساب کرد خصوصاً برای سالمندان تنها. طبق تحقیقی که با استفاده از داده های جمعیتی از سالمندان ۷۰ ساله و بالاتر در هلند در سال ۲۰۱۳ انجام شد، سه پژوهشگر به نام های کرام، ون دیک و نیبور دریافتند که صرف سلام و احوالپرسی ساده یا وجود محبت های کوچک بین همسایگان با سطح بالاتری از رفاه و سلامت روانی همراه است. یک مطالعه قابل توجه هم در حوزه جامعه شناسی همسایگی در انگلیس نشان داد که چگونه روابط همسایگان می تواند برای تندرستی روحی افراد میانسال مفید باشد. داده های مصاحبه با ۴۰۹ زن میانسال که همسرانشان را از دست داده بودند، مورد تحلیل قرار گرفت و دست آخر محققان دریافتند که در کمال تعجب تماس با اعضای خانواده هسته ای حتی فرزندان آن زنان تأثیری به اندازه اوقاتی که آن زن با همسایه های خود می گذراند ندارد. آنها دریافتند زنانی که با همسایه های خود رفت و آمد می کنند کمتر احساس تنهایی و نگرانی کرده و برعکس بیشتر احساس مفید بودن دارند. این مطالعه نشان داد که آشنایی و دوستی با همسایگان در افزایش رفاه مؤثرتر است زیرا این روابط

براساس مجاورت، علایق مشترک و انتخاب یک نوع سبک زندگی استوار است. علاوه بر این روابط دوستی و همسایگی نیز داوطلبانه توسعه می یابد. در صورتی که روابط خانوادگی اغلب با احساس تعهد دائمی، عذاب وجدان و فاصله فیزیکی مشخص می شود. نکته مهم این تحقیق تفکیک «دوستی» و «همسایگی» از یکدیگر بود. در حالی که دوستی بر اساس مشترکات و محبت متقابل استوار است، اما همسایه، حول یک رابطه ابزاری قوام می یابد که توسط نزدیکی و مجاورت فیزیکی تسهیل می شود. در واقع، همسایگی یک استراتژی کارآمد برای دستیابی به حمایت اجتماعی، تقسیم منابع و ایجاد احساس امنیت است.

تلاش اپلیکیشن ها برای احیای همسایگی

در سال های اخیر به کمک فناوری، پلتفرم های آنلاینی برای